

## وصیت برجسته امام باقر (ع)

هر کسی تصمیم گرفت یک کاری را انجام بدهد ولو به حسب ظاهر خیر است اما خیرش را از خدا بخواهد، همین طور وارد کار نشود! این یک دستور اکید اسلامی است و جزء سنن ماست و بسیار کار خوبی است...



هر کسی تصمیم گرفت یک کاری را انجام بدهد ولو به حسب ظاهر خیر است اما خیرش را از خدا بخواهد، همین طور وارد کار نشود! این یک دستور اکید اسلامی است و جزء سنن ماست و بسیار کار خوبی است. وجود مبارک امام باقر (ع) فرمود: عقائد و اخلاق و اعمالی که دارید؛ قبل از اینکه استخاره کنید، تفسیر کنید. ما گاهی بین دو تا کار مَخیر یا مردّدیم. نمی‌دانیم کدام حق است، کدام باطل؛ کدام خیر است، کدام شرّ؛ کدام حسن است، کدام قبیح؛ کدام سعادت بار است، کدام شقاوت آور. فرمود: شما عقائدتان، اوصاف تان، اخلاق تان، اعمال تان، اقوال تان را چه آنهایی که متعارض دارد، چه آنهایی که متعارض ندارد؛ همه این امور را بر قرآن کریم عرضه کنید؛ اهل تفسیر باشید، نه استخاره! خیلی به ما دستور «استخاره» ندادند. استخاره کردن دو قسم است؛ یک دعای مخصوص استخاره است که آن واقعاً اوّل و آخرش نور است و در دعای سی‌وسوم صحیفه سجّادیه هست. هر کسی تصمیم گرفت یک کاری را انجام بدهد ولو به حسب ظاهر خیر است اما خیرش را از خدا بخواهد، همین طور وارد کار نشود! این یک دستور اکید اسلامی است و جزء سنن ماست و بسیار کار خوبی است. این دعای استخاره، یعنی طَلَبُ الْخَيْرِ. یعنی خدایا! من این کار را حالا فکر کردم، دیدم که به حسب ظاهر مصلحت است؛ دارم انجام می‌دهم. من که از عواقبش خبر ندارم، از همراهانش خبر ندارم؛ تو خیر مرا در این کار قرار بده. این استخاره، یعنی طَلَبُ الْخَيْرِ.

اما آن استخاره که انسان قبل از اینکه فکر بکند، قبل از اینکه مشورت بکند، قبل از اینکه ارزیابی بکند؛ فوراً به قرآن تفأل بزند، این کار را خیلی به ما دستور ندادند! البته در موقع حیرت که انسان واقعاً متحیر شد؛ آن یک راه دیگری است. بنابر این اولاً آن دعای استخاره فراموشمان نشود، ثانیاً اینکه در هر کاری فکر و تدبّر و مشورت و ارزیابی و تعقل باشد و ثالثاً اگر واقعاً متحیر شدیم، مانندیم؛ نمی‌دانیم کدام کار برای ما صحیح است، کدام کار ناروا. آنوقت به قرآن استخاره می‌کنیم. اما وجود مبارک امام باقر (ع) فرمود: مهم تر از استخاره، «تفسیر» است. شما تمام کارهایتان را بر قرآن عرضه کنید؛ چه این آراء و اندیشه‌ها متضارب و متعارض و مُتَنافِی و مختلف باشد، چه یک اندیشه. شما این را بر قرآن عرضه کنید، ببینید آیا مطالب قرآنی، معارف قرآنی، معانی قرآنی آن را امضاء می‌کند یا نمی‌کند. بنابراین برای همه ما؛ حالا توده مردم که مقدورشان نیست. برای ماها که در حوزه و دانشگاه به سر می‌بریم، آشنائی با یک دوره از قرآن کریم می‌شود لازم. حالا یک وقت است یکی کسی می‌شود علامه طباطبائی (رضوان الله علیه)، حُب آن جزء نوادر است. ولی اینکه خطوط کلّی قرآن را بفهمیم، ترجمه اش را بفهمیم، گزیده تفسیر را بفهمیم، به تفسیر روانی از او با خبر باشیم؛ این خیلی سخت نیست، خطوط کلّی قرآن را انسان بفهمد. وقتی این ترازو را فهمیدیم، آنوقت این عقائد را با این ترازو می‌سنجیم. این که وجود مبارک امام باقر فرمود: خودتان را با قرآن بسنجید! یعنی آن بحث تنها مخصوص فقیه و اصولی نیست، مخصوص روایات متعارض یا روایت بی معارض نیست! جمیع عقائد و شئون را، اخلاق و اوصاف و افعال را باید بر قرآن کریم عرضه کرد. حُب اگر کسی قرآن را نداند؛ وقتی ترازو را ندارد و نمی‌داند چه جوری ترازو را به کار ببرد، عقائد را با چه بسنجد؟ اخلاق را با چه بسنجد؟

برای شهادت امام باقر(ع) جامه مشکی پوشیدن خوب است، عزاداری خوب است، گریه کردن خوب است؛ ثواب دارد اما اصل فرمایش حضرت را ما باید عمل بکنیم. فرمود: خودتان را چه در مسائل فردی، چه در مسائل جمعی بر قرآن عرضه کنید و با قرآن بسنجید. این از آن وصایای برجسته وجود مبارک امام باقر است. حالا وجود مبارک امام باقر شهید شدند؛ ما باید این فکر را زنده نگه داریم. امام صادق (ع) اوّلین کسی است که دارد این را احیاء می‌کند؛ این فکر و روش را، وجود مبارک امام صادق اول دستور داد تا خودش زنده بود؛ آن اتفاق مخصوص امام باقر را هر شب چراغ روشن می‌کردند. نگذاشت آن اتفاق تاریک بماند. این یک نماد است. و گرنه حُب یک اتاقی که کسی نیست؛ چه روشن، چه تاریک؛ چه اثر دارد؟! می‌خواهد بگوید این فکر باید همیشه روشن باشد. خانه ای که در او وجود مبارک امام باقر بود؛ تا من زنده ام، باید او را روشن نگه دارم. یعنی این فکر را، این طرح را، این رهنمود را، این ارثه طریق را همیشه زنده نگه دارید.

خود امام باقر (ع) به وجود مبارک امام صادق (ع) دستور داد، فرمود: اَوْقِفْ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا (1)؛ از مال من، این دیگر بخش به ثلث بر می‌گردد؛ از مال من فلان مبلغ را بگیر، وقف بکن. برای اینکه برای من در مدت 10 سال در منا روضه خوانی کنند، عزاداری کنند. حُب منا، ایام عید است؛ شب عید قربان است، مراسم عید قربان است.

فرمود: مردم - شیعه و سنی - اینها از راههای دور جمع می‌شوند. در مکه هر کسی مشغول اعمال خودش است و به فکر رفتن به عرفات و مشعر و منا است؛ آن دلهره ای که دارد، او را آرام نمی‌گذارد. واقعاً کسانی که حاجی اند، مخصوصاً در آن عصر؛ از راههای دور با آن صعب العبور بودن، آمدن؛ در مکه آرام نیستند. اما وقتی که این دلهره ها و اضطراب رد شد، آمدند به

عرفات و مشعر و منا و رمی جمره کردند و حلق کردند و از لباس إحرام به در آمدند، یک فراغتی دارند. فرمود: 10 سال در منا برای من ندبه کنند. این نه برای آن است که اینها جمع بشوند آنجا، اشک بریزند! خب بسیاری از آنها سنی بودند. شیعه در آنجا مثل الآن در اقلیت بود. فرمود: آن سخنران می رود، می گوید: امام باقر چنین فرمود درباره فلان آیه چنین فرمود، درباره فلان حدیث چنین فرمود، درباره فلان مطلب کلامی چنین فرمود، درباره فلان مطلب فقهی چنین فرمود. نام مرا در منا زنده نگه دارید. خب ما شیعیان آنهاستیم! این نام را حفظ بکنیم، این مرام را حفظ بکنیم.

1. الکافی / ج 5 / ص 117